

گفت‌وگوی علمی، مؤثرترین راه برای تغییر تصویر ایران در جهان است

دکتر سیدجواد میری، جامعه‌شناس و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی که دبیری علمی این هم‌اندیشی را برعهده داشت، در تبیین چرایی برگزاری این کنفرانس بر ضرورت تمدنی بازخوانی اندیشه متفکران معاصر تأکید کرد. او با اشاره به مأموریت پژوهشگاه در این زمینه گفت: «بازخوانی اندیشه متفکران معاصر یک ضرورت تمدنی است و نباید آن را یک فعالیت حاشیه‌ای در نظر گرفت. به همین دلیل، بررسی افکار و اندیشه‌های استاد دینانی را در دستور کار قرار دادیم و تصمیم گرفتیم با حضور اندیشمندان داخلی و خارجی، میراث فلسفی او را به بحث بگذاریم. میری با تأکید بر نیاز جامعه فکری ایران به گفت‌وگو در سطوح مختلف افزود: «ما در سه سطح ملی، جهان اسلام و در سطح جهانی به گفت‌وگو نیاز داریم؛ اما متأسفانه دچار یک بیماری ملی شده‌ایم. متفکران ما از گفت‌وگو با یکدیگر امتناع می‌کنند و از خواندن و نقد آثار یکدیگر پرهیز دارند و همین امر مانع شکل‌گیری یک سنت زنده و پویا از مفاهیم بومی شده‌است.»

او فاصله تصویر جهانی ایران با واقعیت تمدنی و فرهنگی آن را نتیجه ضعف در گفت‌وگوهای فکری دانست و تصریح کرد: «جهان امروز تصویری از ما دارد که با هستی تمدنی و بنیان فرهنگی مان فاصله زیادی دارد، زیرا ما در گفت‌وگو با جهان کوتاهی کرده‌ایم.» به باور میری، خروج از این وضعیت نیازمند تغییر رویکرد است: «باید از مسیر ترجمه یک‌سویه خارج شویم. برای ورود به عرصه اندیشه جهانی، لازم است میراث فکری و فرهنگی خود را به زبان‌های جهانی ترجمه کنیم؛ اما ترجمه به‌تنهایی کافی نیست. ما به‌نظر پی‌برداری و مفهوم‌پردازی نیاز داریم و این امر تنها از دل خوانش انتقادی متون و تولید فکری جمعی برمی‌آید.» دبیر علمی کنفرانس، «کنفرانس‌های متفکرمحور» را یکی از راهبردهای مهم در این مسیر دانست و تأکید کرد: «کار فردی هر چند ارزشمند است، اما راهبرد جمعی ایجاد نمی‌کند. ما وجهه انتقادی با آثار متفکران و گفت‌وگو درباره آنان باید به یک کنش علمی جمعی بدل شود. گفت‌وگوی علمی، مؤثرترین راه برای تغییر تصویر ایران در جهان است.»

عقل و ایمان در مراتب فکری دینانی، تضادی با یکدیگر ندارند

در بخش دیگری از این هم‌اندیشی، دکتر شهین اعوانی، استاد فلسفه و از شاگردان دکتر دینانی، به تبیین ویژگی‌های فکری و جایگاه علمی استاد خود پرداخت و بر اهمیت آثار او در آموزش فلسفه اسلامی تأکید کرد. شهین اعوانی با اشاره به کتاب «قواعد کلی فلسفی» گفت: «این اثر یکی از منابع اصلی برای دانشجویان فلسفه اسلامی است و نشان‌دهنده عمق و انسجام دستگاه فکری دکتر دینانی است.» او با یادآوری سال‌های شاگردی خود در دانشگاه تهران افزود: «از آن زمان تا امروز، استاد دینانی همواره در میان دانشجویان نسل جوان مخاطبان پرشماری داشته‌اند. ایشان حدود پانزده سال به‌طور مستمر در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران جلسات درسی برگزار کردند که مخاطبان آن تنها دانشجویان فلسفه نبودند، بلکه دانشجویان رشته‌های دیگر نیز در این جلسات حضور داشتند و متوسط تعداد مستمعان به حدود صد نفر می‌رسید.» به گفته اعوانی، توانایی ارتباط‌گیری با مخاطب عام و خاص از ویژگی‌های ممتاز دینانی است: «ایشان در عین قتل‌گرایی و پافشاری بر دیدگاه‌های فلسفی خود در گفت‌وگوهای تخصصی، همواره کوشیده‌اند پیام فلسفی‌شان را از طریق سخنرانی‌ها و برنامه‌های رسانه‌ای به مخاطب عام نیز منتقل کنند.»

این استاد فلسفه با تأکید بر هسته مرکزی اندیشه دینانی تصریح کرد: «من توان استاد افردی را فیلسوفی عقل‌گرا دانست که در مراتب فکری، او عقل و ایمان هیچ تضادی با یکدیگر ندارند.» اعوانی همچنین به پیشینه علمی دینانی اشاره کرد و گفت: «ایشان در کنار استادان برجسته‌ای چون مهدوی و آشتیانی پرورش یافته‌اند و از این حیث، دارای دو رویکرد حوزوی و آکادمیک هستند. دکتر دینانی همواره تأکید می‌کردند که دانشجویان فلسفه نباید تنها به فلسفه غرب بسنده کنند، بلکه باید در کنار آن، فلسفه اسلامی را نیز بخوانند و مشترکات و تفاوت‌های این دو سنت را بینانند.»

نقد، بهترین شیوه پاسداشت یک متفکر است

دکتر عبدالمجید مبلی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در این کنفرانس کوشید با نگاهی انتقادی، یکی از بنیادی‌ترین مفروضات نظری در اندیشه دکتر دینانی را به بحث بگذارد؛ نگاهی که به گفته او، نه در تقابل با جایگاه علمی دینانی، بلکه دقیقاً در راستای پاسداشت جدی یک صاحب‌نظر شکل می‌گیرد. مبلی، سخنان خود را با تأکید بر نسبت نقد و احترام علمی آغاز کرد و گفت: «نقد، بهترین شیوه پاسداشت یک صاحب فضل و صاحب‌نظر است.»

او با اشاره به جایگاه ممتاز دینانی در میان فیلسوفان معاصر افزود: «به‌نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، دکتر دینانی بیش از دیگر فیلسوفان معاصر، به علایق و چشم‌اندازهای ایرانی توجه نشان داده و کوشش کرده است مباحث فلسفه اسلامی را با ارجاع به مفاهیم و سنت ایرانی بازخوانی کند.» با این حال، مبلی بر این باور است که این بازگشت به سنت ایرانی، در چهارچوب خاصی از عقلانیت صورت می‌گیرد: «ایشان در پی خوانش حکمت ایرانی پیشاسلامی بر پایه مفهومی از خرد است که از سنخ خرد یونانی و لوگوس است؛ یعنی عقلی پیشینی، یگانه، مطلق و گفتارمحور.» به گفته این پژوهشگر، پیامد این رویکرد، نوعی دگرگونی پنهان در فهم سنت ایرانی است؛ «نتیجه این خوانش، نوعی یونانی‌سازی نظام‌مند و پنهان اندیشه ایرانی است.» مبلی در توضیح این ادعا، به نحوه مواجهه دینانی با مفاهیم مانند ذوق، قلب و احساس اشاره کرد و گفت: «در مواجهه با این مفاهیم که در چهارچوب لوگوس نمی‌گنجند، با آنها به‌عنوان اموری غیرعقلانی کنار گذاشته می‌شوند، یا به‌نحوی به مرتبه‌ای برتر از عقل، اما همچنان در امتداد همان عقل یونانی، ارتقا می‌یابند.»

او ریشه این مسأله را در یک پیش‌فرض مشترک تاریخی دانست: «در همه این موارد، این پیش‌فرض بنیادین وجود دارد که آگاهی و خرد، امری مطلق، تکینه و پیشینی‌اند و قابلیت‌صورت‌بندی در قالب استدلال و زبان را دارند؛ چه در سنت یونانی پیشامدرن یا خصلت کیهان‌شناسانه و چه در دوران مدرن از دکارت به این سو با وجه معرفت‌شناسانه.» مبلی بر این باور است که در چنین افقی، حکمت عملی همواره تابع حکمت نظری می‌شود: «در این دستگاه فکری، عمل شائی ثانویه و



گزارش «ایران» از کنفرانس بین‌المللی

«ماجرای فکر فلسفی در اندیشه‌های غلامحسین ابراهیمی دینانی»

متفکری با عقلانیت فلسفی

کنفرانسی که به جای «ستایش‌های بی‌پرسش»

به مواجهه انتقادی با آثار یک متفکر پرداخت

بزرگداشت

اعظم‌فردوست

گروه اندیشه

غلامحسین ابراهیمی دینانی از چهره‌های ماندگار فلسفه معاصر ایران است؛ فیلسوفی که بیش از شش دهه در متن سنت فلسفه اسلامی زیسته و هم‌زمان کوشیده‌است آن را در گفت‌وگویی زنده با مسائل انسان معاصر بازخوانی کند. دینانی نه‌تنها در حوزه‌های علمیه و دانشگاه، بلکه در فضای عمومی اندیشه نیز حضوری مؤثر داشته و با تأکید بر عقلانیت فلسفی، نسبت عقل و ایمان و امکان گفت‌وگوی فلسفه اسلامی با جهان جدید، نقشی تعیین‌کننده در زنده‌نگه‌داشتن

مفاوتی از خرد است؛ خردی موقعیت‌مند، شنونده و برخاسته از اکنون و اینجاست.»

دینانی از معدود متفکران ذوابعد تاریخ فلسفه اسلامی است

در ادامه این نشست، دکتر حسین کلباسی اشری، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی، با نگاهی تاریخی و تحلیلی به جایگاه دکتر دینانی در فلسفه معاصر ایران پرداخت و ویژگی ممتاز او را پیوند همزمان سنت حوزوی و آموزش دانشگاهی دانست. او در این باره گفت: «ویژگی مهم دکتر دینانی، بهره‌مند بودن توانمان از آموزش‌های حوزوی و دانشگاهی است و همین امتیاز بزرگ باعث شده اندیشه‌های او عمق و گستره قابل‌توجهی پیدا کند.» کلباسی با اشاره به استادان دینانی افزود: «ایشان از محضر استادان برجسته‌ای چون علامه طباطبائی بهره‌برده‌اند و همین پیشینه، میراث فکری دینانی را در نه‌تنها آثار،



کتاب است. از این منظر، کار دکتر دینانی بسیار ارزشمند و تعیین‌کننده است.»

کلباسی در پایان، اثر دینانی را در نسبت با جریان‌های مسلط تاریخ‌نگاری فلسفه تحلیل کرد و گفت: «تاریخ فلسفه معمولاً تحت تأثیر سه جریان قرار دارد: عقیده‌نگاری، شرق‌شناسی و نگرشی که از فلسفه تاریخ‌هگلی برآمده است. اثر دکتر دینانی به دلیل نوسان خلافتانه میان تاریخ‌نگاری، عقیده‌نگاری و دفاع فلسفی، اثری ماندگار و سرمشق‌ساز در این حوزه محسوب می‌شود.»

پروژه دینانی: بازخوانی تفکر ذیل عقلانیت فلسفی است

دکتر یوسف نوظهور، از شاگردان دکتر دینانی، در این کنفرانس کوشید به یکی از بنیادی‌ترین پرسش‌ها درباره اندیشه استاد خود پاسخ دهد: «پروژه فکری دکتر دینانی در فلسفه معاصر ایران چیست؟» پرسشی که پاسخ به آن، به‌گفته او، تنها از خلال فهم نسبت دینانی با مفهوم عقلانیت فلسفی ممکن است. نوظهور در تبیین این پروژه گفت: «دکتر دینانی در پی آن است که تمام حوزه‌ها، از دین و فرهنگ گرفته تا علوم انسانی، تحت یک عقلانیت فلسفی بازخوانی و تحلیل شوند.» او بر این باور است که حتی در مواجهه دینانی با سنت‌های اشرافی نیز این اصل نقض نمی‌شود: «حتی زمانی که استاد با مباحث اشرافی روبه‌رو می‌شود، اصالت عقل در اندیشه او حفظ می‌شود و عقل فلسفی همچنان معیار داری باقی می‌ماند.»

نوظهور برای توضیح این رویکرد، به کتاب «خواجه نصیرالدین طوسی» فیلسوف گفت‌وگو، اثر دکتر دینانی اشاره کرد و گفت: «در این کتاب، دکتر دینانی گفت‌وگو را شرط شکوفایی عقل و تداوم تفکر فلسفی می‌داند و خواجه نصیرالدین طوسی را به‌عنوان فیلسوفی گفت‌وگومحور در قرن هفتم هجری بازخوانی می‌کند.» او با تشریح شیوه مواجهه خواجه نصیر با مخالفان، چنانکه دینانی آن را در این کتاب روایت کرده است، گفت: «در روایت دینانی، خواجه نصیر با طمأنینه وارد گفت‌وگو با مخالفان می‌شود؛ ابتدا دیدگاه رقیب را به‌دقت شرح می‌دهد، سپس نقد بنیادین خود را مطرح می‌کند و در نهایت، اندیشه مقابل را بازسازی می‌کند تا با عقلانیت فلسفی سازگار شود.» به باور نوظهور، این الگوی سه‌مرحله‌ای، نقش تعیین‌کننده‌ای در تداوم سنت فلسفی داشته است: «همین شیوه، تفکر فلسفی را از تکفیر، حذف و چمود فکری نجات داده و امکان استمرار و حیات آن را فراهم کرده است.»

با این حال، نوظهور در ادامه سخنان خود، از موضعی انتقادی به ارزیابی این اثر پرداخت و میان ارزش الهام‌بخش آن و جایگاهی به‌عنوان پژوهش دانشگاهی تمایز گذاشت. او تصریح کرد: «نثر این کتاب جذاب، خطایی به‌هوام‌بخش است، اما اگر آن را به‌عنوان یک تکن‌نگاری دانشگاهی درباره خواجه نصیر تلقی کنیم، با کاستی‌های جدی مواجه است.» او در تشریح این کاستی‌ها افزود: «فقدان روش‌شناسی پژوهشی مشخص، پرداخت‌گذا به زندگی تاریخی و سیاسی خواجه نصیر، بویژه نسبت او با مغولان، معرفی نکردن نظام‌مند آثار و سیر تحول فکری او، فقدان تحلیل دقیق از نواوری‌ها و منابع فکری و بی‌توجهی به ادبیات انتقادی موجود، از جمله مواردی است که این کتاب را از یک پژوهش دانشگاهی روشنمند دور می‌کند.»

نوظهور در جمع‌بندی سخنان خود تأکید کرد: «ایده گفت‌وگو که از غوغاهای جدی اندیشه معاصر ایران است، بر کلیت کتاب سایه افکنده و در مواردی به متن تحمیل شده است. از این رو، این اثر برای مخاطب عام و برای دانشجویان با اهمیت گفت‌وگو در تداوم تفکر فلسفی، اثری مفید و تأمل‌برانگیز است، اما به‌عنوان اثر پژوهشی دانشگاهی با کمبودهایی مواجه است.»

اندیشه دینانی نمونه‌ای از فلسفه‌ای زنده، گفت‌وگومحور و زمان‌آگاه است

مالک شجاعی جوشقانی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با نگاهی کل‌نگر، کارنامه فکری و فلسفی دکتر دینانی را در قالب شش سطح تمایز تحلیل کرد. او اول به نقش آموزشی دینانی اشاره کرد و گفت: «نخستین سطح، جایگاه دکتر دینانی به‌عنوان استاد فلسفه در دانشگاه است. کارنامه آموزشی ایشان، کارنامه‌ای قابل توجه و اثرگذار است.» شجاعی در سطح دوم، به حوزه تألیف پرداخت و افزود: «از نظر تألیف آثار فلسفی، دکتر دینانی تقریباً بی‌رقیب است. گمتر فیلسوفی را می‌توان یافت که درباره این‌ها، این‌سبیا و دیگر منابع فکری و اسلامی، با چنین نوع و گستردگی، آثار آموزشی و تحلیلی ارائه کرده باشد.»

شجاعی در سطح سوم، به حوزه تألیف پراخت می‌پردازد و گفت: «کارنامه آموزشی ایشان، کارنامه‌ای در ساحت‌های وجودی و انفسی، نهادی، معرفتی و گفت‌وگویی مسیر فکری خود را طی کرده‌اند؛ آن هم در سه سطح ملی، جهان اسلام و جهانی.»

او به تحول مفهومی در آثار دینانی اشاره کرد و گفت: «نگاهی به کتاب‌های استاد نشان می‌دهد که ایشان به‌تدریج از تعبیر «فلسفه اسلامی» فاصله می‌گیرند و خود نیز توضیح داده‌اند که چرا این واژه را کنار گذاشته و تعبیر ایشان «قواعد» را برگزیده‌اند.» به باور شجاعی، نگاه دینانی به فلسفه اسلامی، نگاهی شریعت‌گونه و در عین حال گشوده است: «آثار او نشان‌دهنده گشودگی فکری متفکری است که آماده شنیدن سخن دیگری است.» او به مواجهه دینانی با فلسفه تحلیلی در دهه ۸۰ اشاره کرد و افزود: «کتاب «فلسفه و ساحت سخن» حاصل این مواجهه است. برخلاف چرخش زبانی در غرب پس از دکارت، دکتر دینانی نشان می‌دهد که در متن فرهنگ اسلامی و با آنگاه به سنت تفسیری، کلامی و فلسفی جهان اسلام، نیازی به پیعودن همان مسیر غربی نیست. از همین رو، استاد به جای سخن گفتن از «چرخش زبانی»، از مفهوم «تعبیر زبانی» استفاده می‌کند.»

او در پایان، سیر فکری دینانی را چنین جمع‌بندی کرد: «پس از این گفت‌وگوها، دکتر دینانی بار دیگر به تصویر مطلوب خود بازمی‌گردد؛ تصویری که با این‌سینا آغاز شده بود و در دهه ۹۰، با سخن این‌سینا و بیان بهمنیار، به‌آرامش می‌رسد. این مرحله پایانی، اتمام‌ماجرای‌های بیرونی و آغاز ماجراهای درونی در سیر فکری استاد دینانی است.»

شهین

اعوانی:

استاد دینانی

فیلسوفی

عقل‌گراست

که در عین

وفاداری به

سنت فلسفه

اسلامی،

توانسته با

نسل جوان

و مخاطب

عام ارتباط

برقرار کند.

در اندیشه

او عقل و

ایمان نه در

تقابل، بلکه

در پیوندی

سازنده قرار

دارند و همین

ویژگی، آثار

او را ماندگار

کرده است